

## فصل اول – کلیات

## ۱-۱ تعریف مسئله

وقوع انقلاب علمی در اوایل قرن ۱۷ میلادی سبب شد تا برخی علم و دین را در تعارض با یکدیگر قلمداد کنند و چنین بیندارند که دین پدیده ای غیر علمی و ناکارآمد است و در پاسخ دادن به بسیاری از سوالات بشر عاجز است. محکوم کردن گالیله، کریستف کلمب و یاهاردی (کاشف گردش خون) در حصول این نتیجه بی تاثیر نبود. چیزی که بیش از پیش این تعارض را تشدید می کرد نظریه ای بود به نام نظریه "تکامل انواع" که برخی آن را نقطه جدی آغازچالش و تعارض بین علم و دین می دانند. مسئله تکامل در حوزه معرفت دینی بسیار جنجال برانگیز بود و بسیاری از پژوهشگران چه مسلمان و چه غیر مسلمان بر اثبات و نفی آن قلم ها فرسودند، چرا که نظریه تکامل زیستی داروین در غرب منشا تحولات عظیمی در حوزه های مختلف معرفتی شده است.

## ۱-۲ معرفی اجمالی دیدگاه تکامل

این نظریه با تلاش خستگی ناپذیر جان لامارک به صورت علمی مطرح شد و او در کتاب فلسفه حیوان شناسی برای نخستین بار به رد نظریات لینه پرداخت و نشان داد موجودات زنده تغییر پذیرند و از ساده به پیچیده تکامل می یابند و همچنین او معتقد به آفرینش دفعی موجودات بود یعنی اعتقاد داشت موجودات زنده خود به خود از موجودات بی جان ساخته می شوند. (احمدزاده هروی، 1367، 143،) از نگاه لامارک این پدیده ترانسفورمیشن نام دارد و پس از چند دهه که از دیدگاه لامارک گذشت چارلز داروین دیدگاه جدیدی ابراز داشت. او در کتاب اصل انواع نشان داد که گیاهان و حیوانات کنونی زمینی از آغاز به صورت کنونی نبوده اند بلکه از دیگر گونه گیاهان و حیوانات دیگری که هیئت دیگری داشتند و ساده تر بوده اند به وجود آمده و تحت تاثیر عوامل گوناگونی کم و زیاد شده و تنوع یافته اند (همان).

### ۳-۱ واکنش دانشمندان مسلمان به نظریه داروین

نظریه داروین در جهان غرب بوسیله متکلمان مسیحی با واکنش های سختی مواجه گردید. اگر چه برخی متکلمین دیگر تلاش کردند تا با شکل دهی متفاوت به نظریه تکامل بین نظریه تکامل و دین مسیحیت سازش برقرار نمایند. با گذشت چند سال از مطرح شدن این نظریه دانشمندان مسلمان نیز هر کدام به نوعی با دلایل مختلف و با توجه به تفاسیر مخصوصا تفاسیر علمی در رد این نظریه سخن ها گفته اند از جمله اینها دانشمندی است بسیار پرکار در عصر حاضر که به هارون یحیی شهرت دارد. هارون یحیی در کتابی به نام دلایل تعارض داروینیسم با قرآن در جای جای آن با تمسک به شواهد قرآنی ضربات بسیار مهلکی را بر پیکره ی این نظریه وارد کرده است که در این پژوهش سعی بر آن است، با استخراج نظریات وی و با مطلع شدن از چگونگی کار این پژوهشگر به نقص های نظریه داروین پی ببریم.

#### ۴-۱ معرفی اجمالی هارون یحیی

هارون یحیی در سال ۱۹۵۶ در شهر آنکارا پایتخت کشور ترکیه دنیا آمد. نام واقعی او عدنان اکتار (Adnan Oktar) است. پاره اول اسم مستعارش به نام هارون برادر موسی است و پاره ی دوم به نام حضرت یحیی پیامبری که درست پیش از عیسی آمد و آمدن عیسی را پیش بینی کرد. او در رشته ی دانشگاهی هنر و فلسفه تحصیل کرده است. از ۲۴ سالگی نوشتن و انتشار کتابهایش را آغاز کرد و تا به امروز بالغ بر ۲۲۲ کتاب در موضوعات مذهبی، علمی و سیاسی نوشته است. در حقیقت موضوع کتابهای علمی و سیاسی او نیز به نوعی به مذهب باز می گردد. او در کتابهای علمی خود با نظریه داروینیسم که در نهایت آفرینش را زاییده یک تصادف و محصول یک تکامل تدریجی و تطابق مستمر با شرایط زیستی می شمارد در می افتد و می کوشد وجود شعوری فرا بشری را در آفرینش هستی و کائنات ثابت کند.

هارون یحیی مخالف جدی تئوری تکامل داروین، مخالفان و موافقانی جدی دارد. یکی از مخالفان جدی او ریچارد داوکینز از موافقان جدی تئوری تکامل داروین است که در سخنرانی های خود عقاید هارون یحیی را غیر علمی و خنده دار توصیف کرده است. جدال هارون یحیی و ریچارد داوکینز در نهایت منجر به این شد که وب سایت داوکینز توسط دولت ترکیه مسدود گردید.

## ۱-۵ آثار هارون یحیی

تا به امروز شمارگانی بیش از یک میلیون نسخه از آثار هارون یحیی به فروش رفته و به ۵۱ زبان مختلف از جمله انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، اسپانیولی، فارسی، عربی، اردو و روسی بازگردانده شده است. از کتابچه های او می توان به اسرار اتم، شکست تئوری تکامل، واقعیت خلقت، نیرنگ تکامل، را نام برد وی در کتاب شکست تئوری تکامل، به پاسخ ۲۰ سوال که بزرگترین حقه در تاریخ زیست شناسی است پرداخته است. آثار دیگر نویسنده در رابطه با مسائل قرآن نیز تفکر جاودانی درباره حقیقت، ایثار در راه خدا، ترک معاشرت با بی خردان، بهشت تئوری تکامل، ارزشهای اخلاقی در قرآن، مهاجرت به خاطر خدا، توضیح ویژگی های افراد ریا کار در قرآن، اسامی خدا، انتقال پیام و بحث در قرآن.

## ۱-۶ دلیل انتخاب این کتاب

کتابهای مختلف و متنوعی در رابطه با نظریه داروین به طبع رسیده اما دلایلی وجود دارد که کتاب "دلایل تعارض داروینیسم با قرآن" را از سایر آثار در این باب متمایز می کند از جمله این که این کتاب موضوعات را در رابطه با مسایل ایمانی بررسی می کند و شاهد آوردن از قرآن را سر لوحه کار خویش قرار می دهد. سبک اصیل، واضح، و سلیسی که در این کتاب و تمام کتاب های او به کار برده است همگان را قادر به درک این کتاب می کند حتی کسانی که شدیداً معنویت را رد می کنند تحت تاثیر واقعیت هایی که در این کتاب نقل شده است قرار گرفته و قادر به تکذیب حقایق معنوی آن نیستند.

## ۱-۷ سوال اصلی

آیا قرآن کریم نظریه تکامل داروین را تایید می کند؟

## ۱-۸ سوالات فرعی

تفاوت های میان نظریه تکامل انواع داروین و آیات قرآن در مورد خلقت انسان چیست؟

هارون یحیی چگونه رای به رد داروینیسیم می دهد؟

## ۱-۹ پژوهشهای علمی انجام شده قبلی در ارتباط با پایان نامه (بطور مختصر):

کتاب های ذیل وجود دارند که در لابه لای آنها به مناسبت به طور مستقیم یا غیر مستقیم به نظریه داروینیسیم اشاره شده که عبارتند از :

1- تفسیر المیزان علامه طباطبایی "ره"

2- علل گرایش به مادیگری مطهری، مرتضی انتشارات صدرا.

3- سبحانی جعفر داروینیسیم یا تکامل انواع، قم انتشارات توحید.

4- محمد تقی مصباح یزدی معارف قرآن، انتشارات موسسه در راه حق.

5- رشید رضا محمد المنار التفسیر القرآن الکریم بیروت دارالمعرفه بی تا.

6- سید قطب فی ضلال القرآن بیروت دار الشروق ۱۴۰۶.

7- الطنطاوی، جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم بیروت

دارالاحیا التراث العربی ۱۴۱۲.

نکته ای که باید به آن توجه شود اینست که تا کنون با گذشت یک قرن و اندی از نظریه داروین سوگمندانه پژوهشی درخور در این رابطه صورت نگرفته است و دانشجویان ما به شدت از کمبود یک پژوهش جامع در این زمینه رنج می برند.

## ۱-۱۰ حدود پژوهش:

این پژوهش در پی آن خواهد بود که با بررسی موشکافانه نظریه داروین با اتکا بر آیات قرآن کریم و دستاوردهای علمی "هارون یحیی" در کتاب تعارض داروینیسم با قرآن و جمع نظریات دیگر دانشمندان مسلمان ضعف های نظریه داروین را بیان و با قرآن مقایسه کند.

## ۱-۱۱ فرضیات پژوهش

۱- فرضیه داروینیسم قابل جمع با آیات قرآن نیست.

۲- شاید بتوان گفت نظریه تکامل به عنوان یک نظریه علمی قادر نیست تا از خلقت انسان تفسیر قابل قبولی ارائه نماید.

## ۱-۱۲ اهداف پژوهش:

از آنجایی که با ظهور این فرضیه مکاتب ضد مذهبی رشد قابل توجهی پیدا کرد و به تبع آن منجر به این شد که واقعیت خلقت و وجود خداوند انکار شود، لذا این طرز تفکر در طول ۱۴۰ سال اخیر سبب شده که مردمان بسیاری به خصوص جوانان در عقیده سست گردند این پژوهش ضمن بررسی این نظریه، اثبات می کند که نظریه داروینیسم به فرض صحت با خداشناسی تعارض ندارد. مع الوصف هارون یحیی به عنوان کسی که سالهای سال در این زمینه تلاشهای قابل توجهی دارد و دست آوردهایی کاملاً علمی دینی دارد خلا موجود را پر می کند. دانشمندان مسلمان تقریباً تا کنون نتوانسته اند پاسخ قابل قبولی ارائه دهند که خلاصه ای از آن را می آوریم تا وجه تمایز این پژوهش با سایر نظرات معلوم گردد:

محمد حسین نصر از دانشمندان معروف ایرانی مقیم آمریکا از جمله مخالفان سر سخت نظریه ی داروین است او از این جهت با این نظریه مخالفت می کند که داروینیسم شگفتی های آفرینش را بدون کمترین احساس اعجاب و حیرت دینی مورد مطالعه قرار می دهد. (نصر، ترجمه اسعدی، ۱۳۸۲، ۷۶، ۷۵)؛ آیت الله مصباح یزدی در این باره اظهار نظر کلی می کند و می گوید نباید در مورد مسائل این چنینی آن را با قرآن تطبیق داد. (مصباح یزدی، ۴۳، ۱۳۶۷)؛ رشید رضا شاگرد سید جمال

اسد آبادی و صاحب تفسیر المنار می گوید چه معتقد باشیم انسان از میمون باشد یا از آدم همه مردم از یک نفس واحد به وجود آمده اند و آن انسانیت است. (رشید رضا، ج ۴: ۳۲۷ و ۳۲۴)؛ عبدالکریم سروش در نقد خود این نظر را علمی نمی داند چون ابطال پذیر است و صرفاً این نظریه را یک گزارش می داند. (سروش، ۱۳۲، ۱۳۵۱) سید قطب از بعضی آیات قرآن تدریجی بودن آفرینش را اثبات می کند. (سید قطب، ۱۴۰۶، ج ۱ و ۴ و ۵) طنطاوی نیز دیدگاهی شبیه سید قطب دارد و کیفیت آفرینش انسان در قرآن را اشاره به وحدت کلی جوهر انسان های می داند. (طنطاوی، ۱۴۱۲، ج ۳، ۱۵۴)؛ آیه الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می گوید قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست و اگر چیزی از اسرار علوم در آن باشد هدفی تربیتی دارد مثل داستان آفرینش. (مکارم شیرازی و ۱۳۶۴، ج ۲۲ و ۲۳)؛ آیه الله جعفر سبحانی این نظریه را مخالف خداشناسی نمی بیند. (سبحانی، بی تا، ۲۱) آیه الله معرفت منظور قرآن از شروع حیات با آب را موافق با آغاز حیات از موجودات تک سلولی می داند. (رضایی، ۱۳۷۵) آیه الله علی مشکینی آیه سی سوره انبیاء را مویدی بر نظریه ی تکامل می داند. (مشکینی، بی تا، ۱۷)؛ سبحانی زیر سوال بردن نظریه داروین را زیر سوال بردن دستگاه آفرینش می داند (سبحانی، ۱۳۵۱، ۱۱) و بالاخره استاد مطهری خلقت تدریجی را پذیرفته است و خلقت آدم در قرآن را داستانی سمبلیک معرفی می کند. (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۱۹)

### ۱-۱۳ خلاصه مراحل روش پژوهش:

با توجه به اینکه مستندات در این پژوهش از مقالات و منابع خارجی مخصوصاً کتاب هارون یحیی است که به زبان انگلیسی می باشد با برگردان منابع به فارسی و مرور بر منابع کتابخانه ای و سایت های مربوط به این بخش و جست و جوی های اینترنتی به توصیف و تحلیل نظریه داروین پرداخته شود و با توجه به تئوری بودن بحث، نوع روش، توصیفی و سپس تحلیلی می باشد. نوع ابزار مورد استفاده فیش برداری از نوع دستی و رایانه ای است.

## فصل دوم - مقدمه



پرسش از منشأ حیات و هستی و پاسخ به آن در ادیان گوناگون و به ویژه در اسلام مطرح شده و قرآن کریم به عنوان کاملترین مرجع راهنمای بشر در بسیاری از آیات به آن پاسخ گفته است. از نظر اسلام، حیات منشأ الهی دارد، بی آن که سلسله علت های طبیعی و مادی آن نفی شود. از دیگر سو، حیات دارای مراتبی است که این مراتب در غایت رو به سوی کمال دارند. از این رو، معارف اسلامی بر وجوه فردی و گونه های حیات جهان تاکید دارد و جدا شدن یک گونه از گونه ی دیگر را برخلاف حکمت الهی می داند، اما در این میان، انسان نیز تمام مراتب حیات از حیات نباتی تا حیوانی و نیز الهی را در خود پوشیده دارد و در نهایت کمال وی در قرب الهی است.

با این حال نظریه ی تکامل داروین (داروینیسم) که یکی از پایه های مدرنیته است، نظری برخلاف دین اسلام دارد. این نظریه با دریافتی ماده گرایانه، بر پیدایی موجودات از یکدیگر تاکید دارد. گرچه امروزه نظریه ی تکامل داروین تغییرات زیادی پیدا کرده، اما هنوز درک مادی گرایانه ی آن به عنوان یکی از شالوده های مدرنیته عمل می کند. این پژوهش برآنی است که براساس آموزه های قرآنی و مبانی اسلامی به نقد و ارزیابی دیدگاه تکامل داروین از نظر هارون یحیی که متعاقباً توضیحاتی درباره اش داده می شود، پردازد.

نظریه ی تکامل ستون خیمه ی مدرنیسم است و اگر این ستون سقوط کند کل خیمه بر سر مدرنیسم فرو خواهد ریخت. بنابراین به مانند یک ایدئولوژی با آن رفتار می شود نه یک تئوری علمی که به اثبات رسیده است. و مسلمانان نیز باید از این دیدگاه به کل موضوع بنگرند.

انواع متفاوتی از نظریه های علمی وجود دارند؛ مثلاً مکانیک کوانتوم، یا تئوری زنجیره در فیزیک و کیهان شناسی. اکنون اگر کسانی با این نظریه ها مخالفت ورزند، هیچ کس آن ها را از دانشگاه اخراج نمی کند و هیچ کس به خاطر بر زبان راندن جمله ی « من » این نظریه را نمی پذیرم مانع ارتقای شغلی آن ها نمی شود. تئوری تکامل بر عکس همه ی نظریه ها - موضوعی کاملاً متفاوت است زیرا این تئوری یک ایدئولوژی است و نه علم متعارف. بدین ترتیب اگر شما استاد زیست شناسی در یک دانشگاه به خصوص در دنیای آنگلو ساکسون در ایتالیا، آلمان و فرانسه باشید و اگر طبق زمینه های کاملاً علمی با نظریه ی تکامل مخالفت می ورزید فردی مطرود خواهید بود. حتی موفقیت کاری خویش را نیز از دست خواهید داد همکارانتان شما را ابله می پندارند، ارتقای شغلی نمی یابید و ...

و در هر حال امروزه موضوعات اندکی وجود دارند که به اندازه ی نظریه ی تکامل اهمیت بحث داشته و هم طراز با این تئوری دارای معانی ضمنی پنهان و موزیانه ای باشند. مسلمانان کل این مبحث را در پرتو وضعیتی بررسی می کنند که نظریه ی تکامل متعلق به جهان مدرن است. آن ها ، هم از این زاویه به قضیه نگاه می کنند و هم از دیدگاه ادعای علمی.

متأسفانه اکنون با وضعیتی مواجه هستیم که برخی اقشار مسلمانان در برابر تئوری تکامل تسلیم شده اند یا اینکه آن را به گونه ای تبدیل به نسخه ای اسلامی کرده اند که شاید بتوان آنرا تکامل باوری خداپرستانه نامید، در اینجا باید گفت که به هیچ روی صحیح نیست که با برخی از این دانشمندان مسلمان هم عقیده شد چرا که این نسخه بدتر از مفهوم تکامل است زیرا این ایده دستان خداوند را در فرآیند آفرینش کوتاه و بدون نقش می سازد بنا بر این مسلمانان باید از نظر موقعیت های عقلانی و روحانی خودمان به این قضیه بنگرند. آن چه که قرآن و حدیث می گوید و آن چه که سنت عقلانی خودمان گفته است حاوی موضوعات مهمی است که با این مسئله در ارتباط است.

## ۱-۲ لامارک و تکامل

در حدود صد و پنجاه سال پیش یعنی در ۱۸۵۹ میلادی کتابی در انگلستان انتشار یافت که خط سیر اصلی تفکر بشر را تغییر داد و آن را در مجرای جدیدی وارد ساخت. این کتاب « اصل انواع » نام دارد و نویسنده اش چارلز داروین دانشمند انگلیسی است. بدیهی است تئوریهای بزرگ که توسط

شخصیت های معتبر جهانی عرضه شده است هیچ گاه ابتدا به ساکن نبوده بلکه همواره در شرایط و اوضاعی ساخته و پرداخته گردیده که مصالح ساختمانی آن تئوری ها به صورتی پراکنده یا مبهم فراهم بوده است. کار بنیان گزار تئوری و هنر اصلی او این است که پدیده های موجود را با استنباط های شخصی خود در قالب جدیدی می ریزد و از مصالح ساختمانی پراکنده، بنای نوی برپا می سازد که بتواند مطابق اوضاع و شرایط زمان رهبر افکار بشر گردد. چارلز داروین نیز از این قاعده مستثنی نبود. آن چه در قالب داروینیسم به جهان دانش عرضه گردید جسته و گریخته توسط متفکران عدیده در دوره های مختلف تاریخ به صورت ناقص یا بدون داشتن ارتباط با یکدیگر بیان شده بود و چنانکه تاریخ علم نشان می دهد داروین از غالب آن نظرات اطلاع داشت ولی در طی پنج سال جهان گردی و مشاهده اوضاع و احوال حیاتی مناطق مختلف زمین و بیست سال صرف وقت برای بررسی ره آورد سفر خود و هم چنین جمع آوری اسناد و مدارک مختلف، آن ها را به قالبی در آورد که نظریه ی تکامل به صورتی مستدل و متکی به شواهد و مدارک متعدد به جهانیان عرضه گردید.

گرچه نخستین بار نظریه ی تحول عالم جانداران تقریباً در قرن ششم پیش از میلاد اظهار شده بود از آن تاریخ تا ظهور داروین نام عده ی زیادی از متفکران چون انکسیمندرس، انباز قلمس، ارسطو، لوکرسیوس، شارل بونه، دومایه، سوپرتویس، پوفون و اراسموس داروین پدر بزرگ چارلز داروین و لامارک و زوفرانت هیلر در فهرست معتقدان به تکامل قرار دارند. (محمود بهزاد ۱۳۵۳، - ۲۷) معهدا کسی که نظریه ی تحول عالم جانداران را به صورتی مشروح و متکی به دلایل بیان داشته لامارک جانورشناس فرانسوی بوده است. از آنجا که داروین از نظریه لامارک مطلع بوده و در بعضی موارد به آن استناد کرده است به اجمال رئوس مطالب نظریه ی این دانشمند فرانسوی بیان می گردد:

الف. لامارک به خلق الساعه معتقد بود یعنی چنین تصور می کرد که نه فقط در زمان های گذشته بلکه در حال حاضر نیز از مواد بی جان موجودات زنده ساده ای به وجود می آید و نیز اعتقاد داشت که ممکن است بعضی جانوران انگل در بدن موجودات دیگر نیز به وجود آیند.

ب. لامارک معتقد بود که عامل اصلی تغییر دهنده ی جانداران « محیط زندگی » است ولی محیط هیچ گاه اثر مستقیم در بروز تغییر ندارد بلکه وقتی تغییری کلی در شرایط زندگی جاندار حاصل می گردد، سبب پیدایش « احتیاجات جدید » می شود. پیدایش احتیاجات جدید الزاماً در « اعمال

جاندار» موثر می افتد. وقتی وجود احتیاجات جدید، وضعی مداوم به خود گیرد جانور بناچار عادت تازه پیدا می کند وقتی عادات تازه پیدا شد از سه حال خارج نیست.

اول آنکه نیاز به عضو جدیدی پیدا می کند.

دوم آنکه عضو موجود را زیاد به کار می برد.

سوم آنکه سبب عدم استعمال عضوی می گردد.

در حالت اول یعنی در مورد احتیاج به «عضو جدید» لامارک کیفیتی به نام اورگاسم orgasm را در ظهور آن عضو دخیل می داند. به نظر لامارک تغییر شرایط محیط در نتیجه ی ایجاد عادت نو سبب می گردد بعضی جاهای بدن بیش از دیگر نقاط تحریک شوند. تحریک این نقاط باعث کشیده شدن مایعات بدن به سوی خود می شود و در نتیجه ی این عمل کشش خاصی در ناحیه ی تحریک شده ایجاد می گردد و ساختمان مخصوص و مناسبی در آن نقطه پدید می آید و با این روش عضو جدیدی، البته به صورت ابتدایی ظهور می کند.

در حالت دوم یعنی وقتی عضوی زیاد به کار برده می شود، آن عضو رفته رفته تقویت می گردد و شکل و صورت جدیدی مناسب با عادت که کسب شده حاصل می کند. به نظر لامارک دراز شدن گردن و پاهای زرافه معلول چنین کیفیتی است و ظهور پرده میان انگشتان پای اردک بهمین روش صورت گرفته است.

در حالت سوم یعنی وقتی عادت سبب عدم استعمال عضو می گردد آن عضو رفته رفته تحلیل می رود و کوچک می شود تا جایی که ممکن است به کل از میان برود. به نظر این دانشمندان فقدان چشم جانوران ساکن غارهای تاریک و فقدان دست و پا در ماران به همین سبب بوده است.

از این گذشته به نظر لامارک وقتی عضو جدیدی به صورت ابتدایی ظاهر می شود یا عضو موجودی بر اثر به کار بردن تقویت می گردد یا تحلیل می رود، این خاصیت اکتسابی، به خاصیت وراثتی تبدیل می شود. (بهزاد، ۱۳۵۳، ۳۲-۳۸)

به عبارت دیگر لامارک به موروثی شدن صفات اکتسابی عقیده دارد. اولاد آن جانورانی که در همان شرایط زندگی می کنند و همان عادات را بناچار کسب می نمایند، از اعضای خود به همان روش والدین استفاده می کنند در نتیجه یا آنها اندکی بیشتر تقویت می شوند و یا بیشتر تحلیل می

روند و با این روش طی میلیونها سال به صورتی در می آیند که کاملاً جدید است و در اجدادشان وجود نداشته است.

به نظر لامارک انسان نیز با نظایر این گونه سازش ها، از میمونی که نیمه خمیده حرکت می کرد به صورت امروزی درآمده است. (همان)

به طوری که ملاحظه می فرمایید لامارک راجع به پیدایش تغییر در جانوران و گیاهان با صراحت صحبت کرده و از این گذشته روش آن تغییرات را نیز نشان داده است. به علاوه اصل حیوانی انسان و اشتقاق آن از میمون را نیز به میان کشیده است. حال باید دید چه عواملی باعث شده است که در آن زمان نیز افکار جهانیان تغییر نیافته و حیوان بدون اصل انسان غوغا برپا نکرده و این مسایل تقریباً نادیده گرفته شده است.

تذکر این نکته لازم است که در انگلستان نیز اراسموس داروین پدر بزرگ چارلز داروین، قبل از لامارک نظراتی ایراد کرده بود که در اساس با آن چه لامارک بیان داشته است شباهت بسیار دارد و حتی به زبان های دیگر نیز ترجمه شده است.

عامل اصلی نادیده گرفته شدن نظرات صریح لامارک ساده نیست بلکه بستگی به سلسله عوامل مختلف دارد که از میان آنها انقلاب کبیر فرانسه را می توان نام برد.

در انگلستان تحت اوضاع سیاسی آنروز گرچه نظریه های مشابه لامارک توسط اراسموس داروین بیان گردیده بود اما به سبب تعصبات سیاسی نظریه ی لامارک را نپذیرفتند و او را فرانسوی ملحدی خواندند.

عامل دیگر نادیده گرفته شدن نظرات لامارک وجود دانشمند بلند پایه ای در کشور فرانسه بود. ژرژ کوویه طبیعی دان برجسته ی فرانسوی که واضع علم تشریح مقایسه ای است و تحقیقات بسیار با ارجی در زمینه ی دیرین شناسی به عمل آورده است از دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر نظریه ی تکامل بوده وی مطالعات دقیقی درباره ی آثار جانوران گذشته که به صورت فسیل در دل سنگهای رسوبی باقی مانده بودند بعمل آورد و باین نتیجه رسید که عده زیادی از جانداران در ادوار گذشته ی عمر زمین موجود بوده اند که بعداً منقرض گشته و فقط آثار آنها باقی مانده است. کوویه از مطالعه ی فسیلهای مکشوفه باین نتیجه رسید که در دوران اول تاریخ زمین از پستانداران و پرندگان اثری نبود بلکه تنها ماهیها از استخوانداران در آن دوره می زیستند. در دوران دوم خزندگان ظاهر گشتند

و عاقبت ظهور پستانداران در دوران سوم اتفاق افتاد. وی به فراست دریافت که ظهور جانوران در گذشته به نحوی بوده است که قدیمی ترها ساختمانی ساده تر داشته اند و آنانکه جدیدتر بوده اند دارای اوضاع بدنی کاملتری بوده اند و به علاوه شباهتی در اساس ساختمانی بدن آنها همواره وجود داشته است ولی چون پروتستانی متعصب بود و جز به کتاب مقدس فکر نمی کرد و عمر جهان را طبق گفته ی این کتاب شش هزار سال می پنداشت برای حل این مسئله ناگزیر به ایراد نظریه ای شد که «کاتاستروفیسم» نام داشته است. (همان، ۲۶-۲۹)

بر طبق نظریه ی کاتاستروفیسم زمین شاهد انقلاب های عظیمی بوده که بکرات واقع شده است. هر انقلابی جانداران موجود را از میان برده است و جانداران جدیدی که کاملتر بوده اند به جای آن ها خلقت یافته اند، ولی کوویه توضیحی درباره اینکه جانداران جدید چگونه ظاهر گشته اند نمی دهد. کوویه از مقایسه فسیلهای جانداران گذشته به کمال تدریجی آنها در طی ادوار معرفه الارضی توجه یافته است و به علاوه به این نکته نیز پی برده که جانوران هر دوره ای در اصول ساختمانی بدن با جانوران دوره های قبل شباهت داشته اند ولی چون به ثبوت انواع و امحاء مکرر آنها معتقد بوده است، برای توجیه نظر خود فرض طرح خلقت را به میان کشیده است. کوویه در طرح خلقت چنین ادعا کرده است که در خلقت موجودات زنده طرحی کلی وجود دارد که در هر بار خلقت مجدد همواره در نظر گرفته می شود و علت شباهت اساسی میان جانداران دوره های مختلف وجود چنین طرحی است.

آلیسه دوربین یی که یکی از شخصیت های علمی معروف و همکار کوویه بود طبق نظر خود تعداد انقلابهای حادثه را به ۲۷ تخمین زده است. این نکته لازم است تذکر داده شود که لوی آگاسیس یکی دیگر از مخالفان نظریه ی تکامل برای آن که بتواند تغییرات و تکامل جانداران را که از روی فسیلهای آن ها مشهور است با نظریه ثبوت انواع توجیه کند به اظهار نظر عجیبی دست زده است که در نوع خود بی نظیر است. آگاسیس علت کمال جانداران هر دوره ای را نسبت به دوره ی قبل یا به عبارت دیگر تکامل تدریجی آنها را، معلول تکاملی می داند که در فکر خالق متعال از دوران اول تا اکنون حاصل شده است. (همان)

خلاصه آن که کوویه به قدرت شخصیت علمی خود و با نفوذی که در محافل علمی تمام اروپا داشته است نظریه ثبوت انواع را آن چنان به کرسی نشانده که کسی جرأت تردید در نظرات او را نداشته است و با جریانی که پیش آورده بود چند سالی مانع پیشرفت نظریه ی تکامل گردید.

حادثه دیگری که قبل از ظهور نظریه داروین و پس از مرگ کوویه پیش آمد انتشار کتابی به نام اصول زمین شناسی نگارش چارلز لایل زمین شناس انگلیسی بود. لایل در این کتاب نشان داد که نظریه ی کاستروفیسم بکلی بی اساس است و زمین به هیچ وجه شاهد انقلاب های عظیمی که به امحاء همه جانداران زمین منجر شود نبوده است بلکه تغییرات زمین نامحسوس و کند و تدریجی یعنی درست به صورتی بوده است که هم اکنون در برابر چشمان ما صورت می بندد.

آب را یکی از مهم ترین عوامل تغییر دهنده ی سطح زمین معرفی می کند و روشن می سازد که وقتی آب به صورت باران و برف به زمین می ریزد از طرفی به تخریب ارتفاعات دست می زند و مواد تخریبی را با خود به دریا می برد و نه در ته آن یا در کنار ساحل بر جای می گذارد. امواج سهمگین دریاها به تخریب سواحل مشغولند. هوا نیز عامل دیگری است که تخریب سنگهای روی زمین را باعث می شود. موجودات زنده و بروز آتشفشانها و زلزله ها که وضعی محلی دارند در تغییر سطح زمین موثرند. بنابراین تغییرات حاصله در زمین و موجودات آن به طور تدریجی و طی زمانی بسیار طولانی صورت گرفته است. (بهزاد، ۱۳۵۳، ۷۰-۷۲)

با در نظر گرفتن این مقدمات اکنون می توانیم به داروین و چگونگی ظهور کتاب اصل انواع بپردازیم.

## ۲-۲. زندگی داروین

« چارلز داروین » روز ۱۲ فوریه سال ۱۸۰۹ در شهر کوچک « شروزبری » دیده به جهان گشود پدرش رابرت وارینک داروین پزشک حاذقی بود. چارلز در هشت سالگی مادرش را از دست داد و از آن پس تحت سرپرستی پدر و برادر بزرگ و خواهرش قرار گرفت و از نه سالگی تا شانزده سالگی در مدرسه شبانه روزی دکتر « بوتلر » به تحصیلات مقدماتی، پرداخت. از کودکی، علاقه مفراطی به جمع آوری اشیاء و تهیه کلکسیون های مختلف تمبر، صدف، تخم پرندگان و حشرات داشت و در آغاز جوانی علاقه فوق العاده ای به شکار از خود نشان می داد تا روزی که

پدرش به او گفت توفقط در فکر شکار و بازی با سگان و به دام انداختن موش ها هستی ، تو ننگ خود و خانواده ات خواهی شد.»

وقتی که پدرش از تحصیلات وی در مدرسه دکتر بوتلر مایوس می گردد، او را به دانشگاه «ادیمبرد» می فرستد (۱۸۲۵) تا به تحصیل علم پزشکی مشغول شود ولی چیزی نمی گذرد که محیط دانشکده برای وی خسته کننده می گردد. در تمام مدت تحصیل در دانشگاه «ادیمبرد» شکار نخستین برنامه کار او را تشکیل می داد و همه وقت با بی صبری هرچه تمام تر در انتظار پاییز بود تا بتواند نزد عمومی خود رفته و به شکار پردازد.

پدرش پس از یاس ثانوی او را به دانشکده ی علوم الهی می فرستد تا لااقل یک مرد روحانی شود، وی این پیشنهاد را از این نظر می پسندد که فرصت کافی برای شکار در دوران کیشی پیدا خواهد کرد و در سال ۱۸۲۸ وارد دانشگاه کمبریج می گردد و مدت سه سال در آن جا به تحصیل ادامه می دهد ولی این بار نیز مانند دفعات پیش دنبال شکار رفته و در ساعات درس غیبت می کند و در نتیجه در ردیف جوانان بی عار قرار می گیرد. (، بهزاد، ۱۳۵۳، ۴۵)

## ۲-۳. آشنایی داروین با پروفیسور هستلر

وی در سال های آخر تحصیلاتش در کمبریج با پروفیسور «هستلر» معلم گیاه شناس آشنا می گردد. این آشنایی در روح او انقلاب عجیبی به وجود می آورد که در راهنمایی های علمی، و فلسفی و اجتماعی او در طریق تکامل و رشد علمی و فلسفی و اجتماعی موثر می افتد تا جایی که این آشنایی ساده، به یک دوستی عمیق مبدل می گردد و در نتیجه استاد او را در گردش های علمی با خود همراه کرده و او را با شخصیت های برجسته ی علوم آشنا می سازد.

چند ماه پیش از آن که «داروین» از دانشکده «کمبریج» فارغ التحصیل گردد بنا به سفارش هستلر به عنوان یک طبیعی دان بدون دریافت حقوق به وسیله ی کشتی سلطنتی «بیگل» عازم یک مسافرت طولانی می شود. حرکت کشتی ۲ ماه به طول می انجامد و او در این مدت کتابی را که درباره عجایب طبیعی مناطق حاره نوشته شده بود می خواند و علاقه اش برای سفر و مشاهده



حیوانات تشدید می گردد و بالنتیجه روز ۲۱ دسامبر سال ۱۸۳۱، دومین دوره زندگی وی آغاز می گردد. (همان)

## ۲-۴. پنج سال جهانگردی در سفر دریایی

وی در جهانگردی، خود مرتب کار می کرد، و از چیزهایی که می دید یادداشت بر می داشت، جانورانی را که با قلاب از دریا می گرفت، تشریح می کرد و به تفکر می پرداخت. در این سفر گیاهان و جانوران زیادی را در جزایر و سواحل دریاها دید و نمونه هایی از آن ها را جمع آوری و با دقت هر چه تمامتر آن ها را مقایسه کرده و نتایج افکار خود را یادداشت و قضایای مختلفی را به یکدیگر مربوط می ساخت و روابط مخصوص میان جانوران و گیاهان، از طرفی، بین انسان و جانداران از طرف دیگر و هم چنین بین جانداران و محیط زندگی بین حال و گذشته استنباط می کرد.

« داروین » پس از پنج سال و دو روز جهانگردی روز ۱۴ اکتبر ۱۸۳۶ به میهن خود مراجعت کرد. و به تنظیم کلکسیون ها و نمونه هایی که از سفر به ارمغان آورده بود، پرداخت و از همین ایام دوران تالیف و انتشار افکار او آغاز شد و ضمناً به مطالعه در زمین شناسی و معدن شناسی می پرداخت. از سال ۱۸۳۷ به بعد کتاب هایی مانند «سفر یک طبیعی دان به دور دنیا»، « ساختمان و انتشار جزایر مرجانی»، « مطالعات زمین شناسی در آتشفشانی» و « مطالعات زمین شناسی در آمریکای جنوبی و غیره را منتشر کرد.

او در تمام این مدت در فکر راه حلی برای تنوع حیوانات و گیاهان و جانوران بود، که علت اختلاف آن ها را بدست آورد. تا آن که روز ۲۴ اکتبر ۱۸۵۹ نظر مخصوص خود را درباره ی این آزمایش ها و استنباطات در کتاب « اصل انواع» منتشر ساخت و موضوع تبدیل انواع و اشتقاق جانداران و گیاهان از یکدیگر که پس از «لامارک» بدست فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر بر سر زبان ها افتاد، و غوغای عجیبی در محافل علمی و مذهبی جهان برپا کرد. و در نتیجه گروهی از طبیعی دان ها آن را پذیرفتند ولی ارباب کلیسا به رد و انتقاد و تکفیر وی پرداختند. (همان، ۱۳۵۳، ۷۳-۷۴)

## ۲-۵. رمز انتشار فرضیه داروین

علت رواج موقت فرضیه « داروین » عواملی بود که کلیسا و دستگاه پاپ بوجود آورده بود، قرن‌ها اروپا تحت سیطره عوامل کلیسا بود، دستگاه پاپ و ایادی وی در آنروز برای حفظ موقعیت خود، همه گونه آزادی را از دانشمندان سلب نموده بودند هیچکس جرات نداشت که برخلاف کتاب «مقدس» (انجیل) سخنی بگوید کتاب مقدس که بگمان آنها زمین را مرکز جهان و غیر متحرک معرفی کرده است، باعث شده بود، که هرگونه اظهار نظر بر خلاف آن، بعنوان کفر و ارتداد، کوبیده شود و احياناً صاحب نظر محکوم به اعدام و یا زیر شکنجه قرار گیرد.

سیطره دستگاه «پاپ» بر سرتاسر جهان غرب سبب شد که اروپا مدتها در جهل و گمراهی بماند و سالهای زیادی عوض ترقی و پیشرفت درجا زند، تا روزی که این زنجیر از هم گسست و این طلسم شکست، و محیط آزادی نصیب دانشمندان گردید.

روزی که در اروپا آزادی تفکر و عقیده، بیان و قلم اعلام گردید روزی بود، که دستگاه روحانی!! جهان غرب مانند جسد بیجان از حرکت و فعالیت افتاده بود. این موقع بهترین فرصتی بود، که دانشمندان از دستگاه پاپ انتقام بگیرند، و با کشف قوانین علمی، و گسترش علم و دانش، مراجع دین مسیحیت را بکوبند.

« داروین » با روشهای طبیعی و تجربی معتقد به تحول و تکامل انواع گردید، و نظر خود را با چاپ کتاب «منشا انواع» بگوش محافل علمی رساند. این بار دستاویز محکمتری بدست مخالفان پاپ افتاد، و برای کوبیدن تشکیلات دینی آن روز غرب، شروع به تبلیغ نمودند، و گفتار کتاب مقدس را که قائل به ثبوت انواع بود به باد مسخره گرفتند و توانستند با این حربه ی تازه زیانهای سنگینی وارد سازند. (فرید وجدی، بی تا، ج ۲۹، علی اطلال المذهب المادی)

روی تعصب و انتقامجویی، نظریه داروین صد برابر بیش از آنچه ارزش علمی داشت، طرفدار پیدا کرد و گروهی نفهمیده و نسنجیده با چهره باز از آن استقبال کردند. ولی این استقبال جنبه ی سیاسی داشت، منظور خرد کردن و له کردن دستگاه پاپ بوده و به جنبه های علمی و حیاتی آن کمتر توجه می شد. تا اینکه دوران جنگ سرد پایان یافت « و بقول معروف ... آنها از آسیاب افتاد » دانشمندان حس انتقامجویی و کینه توزی را کنار گذاردند، و در محیط آزاد، دور از هرگونه تعصب؛ بمنظور کشف حقیقت توانستند مسأله را از نظر فهم حقیقت مورد بررسی قرار دهند، در این مرحله،

سستی و بی پایگی اصول و نتایج داروین روشن گردید اینک خلاصه نظریه وی با ذکر اصولی که پایه های نظریه اوست بیان گردیده سپس به انتقادهای اجمالی و تفصیلی که از طرف دانشمندان ابراز شده است پرداخته می شود.

## ۲-۶. اصول نظریه داروین

### ۲-۶-۱. تنازع بقاء:

افزایش نامحدود جانوران و گیاهان سبب می شود که غذا و مسکن برای عموم آنها کفایت نکند، تنها فرزندان آدم اگر با مرگ و میر غیرطبیعی روبرو نشوند؛ در هر بیست و پنج سالی جمعیت کره زمین دو برابر می گردد؛ چیزی نمی گذرد که برای سر پا ایستادن فرزندان آدم جایی پیدا نمی شود، هرگاه جانوران و گیاهان با موانعی روبرو نگردند پس از مدتی سطح کره زمین را فرا می گیرند. در صحنه زندگی، هر موجودی با صدها عوامل نابودکننده روبرو است که اساس زندگی آن را تهدید می نمایند و هر موجودی می خواهد عوامل بقاء خود را تحصیل کند، و از علل مخربه دور باشد، از این نظر همواره میان موجودات نزع و کشمکش برقرار است.

منازعه و جنگ که اثر مستقیم افزایش نامحدود موجودات جان دار و گیاهانست، در جانوران آشکار و در گیاهان مخفی است: « داروین » بقدری باین اصل ایمان دارد که در حق آن می گوید: چیزی سهل تر از قبول حقیقت اصل تنازع بقاء نیست، و اگر چنین امری موجود نباشد تعادلی که در طبیعت حکمفرماست بدرستی درک نخواهد شد. (سبحانی ۱۳۸۶ - ۵۲)

پرندگان خوش آواز که با فراغ خاطر بر فراز شاخه ها می نشینند، از حشرات و دانه ها تغذیه می کنند و با این عمل خود دائما عده ای از موجودات زنده را معدوم می سازند. مرغان شکاری با چارپایان گوشت خوار دائما در کمین می باشند تا این پرندگان خوش آواز را طمع خود ساخته از تخمها و نوزدان آنها سد جوع کنند. (همان)

## ۲-۶-۲. انتخاب اصلح (طبیعی)

مدرک کشف این اصل همان انتخاب مصنوعی است که میان کشاورزان مرسوم است: آنان از هر نسل افرادی را که دارای عالیتترین صفات مطلوب می باشند انتخاب می کنند و با اعمال طولانی سر انجام از این انتخاب مصنوعی، نژادی بدست می آورند که از کلیه آلودگیها پیراسته می باشد. روی این اساس: در این جهان تنازع، موفقیت و بقاء مال موجوداتی است که شرایط بقای آنها بیشتر و عوامل حیاتی در آنان بیش از دیگران موجود باشد؛ مثلا در میان حیوانات افرادی با شاخ های کوچک و بزرگ پیدا می شوند از آنجا که دسته اول بخوبی مسلح نشده احتمال نابودی آنها بیشتر است، و دسته دوم در برابر حوادث، بهتر پایداری می کنند، اگر خلاف آنها بنوبه خود با شاخهائی بهتر دنیا آیند، این اعضاء بتدریج در نسل های دیگر کاملتر می شوند و بدین طریق انتخاب انسب سبب پیدایش تکامل می گردد.

خلاصه؛ در این میدان مبارزه، فتح و غلبه با افرادی است که با شرایط نیرومندتری مجهز گردند در اینصورت طبقه مغلوب جای خود را بفاتح داده: و خصایص طبقه فاتح تحت قانون وراثت به نسلهای بعد منتقل می شود و در هر نسلی بصورت کاملتری در آمده، بالنتیجه تحول انواع بوجود می آید. (سبحانی ۱۳۸۶-۵۴)

## ۲-۶-۳. قانون وراثت:

قانون وراثت سومین اصلی است که داروین بآن تکیه کرده است، وی معتقد است که صفات اسلاف به اخلاف منتقل می گردد، و هر اخلاقی که در پدر و مادر بعنوان یک پدیده مادی رخ دهد، بعینه به فرزندان آنها انتقال می یابد و در طول زمان در نسلهای آینده بصورت یک تغییر کلی و نوعی در می آید و در حقیقت این تغییرات جزئی پس از چند نسل باعث می شود، فاصله ی زیادی میان آباء و فرزندان بوجود آید بطوری که عندالمقایسه بصورت نوع مختلف و گوناگون در آیند.

نتیجه مطالعات او در این باره این است: «اگر صفت یا تغییری در جانوری یا گیاهی در مرحله ای از زندگی ظاهر شود در فرزندان او در همان سن، یا زودتر بروز خواهد نمود». (همان)